

دو فصلنامه علوم ادبی

سال ۷، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶

(صص: ۸۳-۵۳)

بررسی و بازشناسی دومین ترجمه مجالس النفایس امیر علشیر

نوایی*

(ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی)

هادی بیدکی^۱

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

مجالس النفایس یکی از مهمترین تذکره‌های شاعران است که قزوینی دومین ترجمه آن را ترتیب داده و علی‌اصغر حکمت آن را در سال ۱۳۲۱ ش. تصحیح و منتشر کرده‌است. در این مقاله تصحیح حکمت با سه نسخه اقدم و معتبر از متن ترکی، مقابله و مقایسه شده و این نتیجه حاصل شد که متن ترجمه قزوینی و تصحیح حکمت با محتوای مجالس النفایس همخوانی و تطابق چندانی ندارد؛ زیرا از سویی، گاه مطالبی در نسخ ترکی وجود دارد که قزوینی آنها را از ترجمه خود حذف و مطالبی را به ترجمه خود اضافه کرده که در متن اصلی وجود ندارد و گاهی هم بخشی از ترجمه‌های او با متن مبدأ اختلاف دارد. از دیگر سو، تصحیح حکمت نیز علاوه بر تفاوت با متن مبدأ، دارای ضبط‌های اشتباه نیز هست. ترجمه قزوینی نفوذ گسترده‌ای در منابع تاریخ ادبی و کتاب‌شناسی بعد از خود داشته‌است؛ بنابراین، ضروری است بر اساس نسخ اقدم و معتبر مجدداً تصحیح شود.

واژه‌های کلیدی: بررسی، بازشناسی، مجالس النفایس نوایی، ترجمه قزوینی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۴/۲۶

1. E-mail: h.bidaki@mail.um.ac.ir

(نویسنده مسئول)

(۱) مقدمه

تذکره مجالس‌النفایس یکی از مهمترین منابع تاریخ ادبیات فارسی است که امیر علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ق.) آن را در سال ۸۹۶ ق. به زبان ترکی جغتایی تألیف کرد و حدود ۳۸۵ نفر را که هر کدام به نوعی به فارسی شعر می‌سروده‌اند، در خلال مدخل‌هایی معرفی و در هشت مجلس تنظیم کرده‌است: ۱- شاعرانی که نوایی اواخر زندگی آنها را درک کرده، ولی به دیدار آنها نرفته‌است؛ ۲- شاعرانی که نوایی در ایام کودکی یا جوانی به دیدار آنها رفته، ولی زمان تألیف مجالس‌النفایس (سال ۸۹۶ ق.) در گذشته بودند؛ ۳- شاعرانی که یا نوایی به دیدار آنها رفته و یا آنها به دیدار نوایی آمده‌اند؛ ۴- فضایی که به سرودن شعر شهرت نداشته، ولی گاهی شعر می‌سروده‌اند؛ ۵- امرا و بزرگان خراسان که طبع شعر داشته، ولی آن را ادامه نداده‌اند؛ ۶- فضایی غیر خراسانی که معاصر نوایی بوده و هر کدام دیوان اشعار داشته‌اند؛ ۷- سلاطینی که طبع شعر داشته و گاه شعری به مناسبت می‌سروده‌اند؛ ۸- شرح احوال و لطایف سلطان حسین بایقرا (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۴۵۳-۴۴۶).

پس از اینکه ۳۳ سال از تألیف مجالس‌النفایس گذشت، فخری هروی آن را در سال ۹۲۸ ق. با عنوان لطایف‌نامه به زبان فارسی ترجمه کرد و بعد از او حکیم‌شاه قزوینی دومین ترجمه فارسی آن را در سال ۹۲۹ ق. به پایان رساند. قزوینی مجالس هشت‌گانه نوایی را در قالب هفت بهشت تنظیم کرد و بخشی جداگانه را با عنوان "بهشت هشتم" به پایان اثر نوایی افزود و آن را بر دو روضه تقسیم کرد. او در روضه اول ۷۰ نفر از شاعران متقدم تا زمان سلطان سلیم عثمانی (حک. ۹۱۸-۹۲۶ ق.) را معرفی کرد و در روضه دوم به شناسایی ۸۲ نفر از شاعران زمان سلطان سلیم پرداخت. بعد از این دو مترجم، شیخ‌زاده فایض نیمردانی در سال ۹۶۱ ق.، شاه‌علی بن عبدالعلی در اوایل سده ۱۱ ق. و میرزا عبدالباقی شریف رضوی متخلص به وفا در اواسط سده ۱۳ ق. مجالس‌النفایس را به فارسی ترجمه کردند که اکنون نسخ خطی منحصر به فرد این ترجمه‌ها به ترتیب در کتابخانه‌های

سید محمد طاهری شهاب، موزه بریتانیا و مدارس کلکته محفوظ است (گلچین معانی، ۱۳۶۳: ۱۱۸/۲-۱۲۸).

علی‌اصغر حکمت نخستین کسی بود که برای اولین بار در ایران دو ترجمه فخری و قزوینی را در سال ۱۳۲۱ ش. در یک مجلد تصحیح و چاپ کرد و این چاپ تا کنون تنها منبع در دسترس پژوهشگران است.^۱ بسیار لازم و مفید است که سیر تأثیرات و اقتباسات منابع تاریخ ادبی به دقت تحلیل و کاویده شود تا میزان صحت و سقم اطلاعات منابع متقدم، سنجیده و انعکاس آن در منابع متأخر هم بررسی شود. مقابله ترجمه قزوینی با اصل متن ترکی مجالس‌النفایس روشن خواهد ساخت که مترجم در ترجمه خود تا چه حد به اصول امانتداری پای بند بوده و تا چه اندازه در آن دخل و تصرف کرده است. بررسی انتقادی تصحیح حکمت نیز نشان خواهد داد که مصحح تا چه اندازه توانسته است متنی منقح و نزدیک به متن مترجم را در اختیار مخاطب قرار دهد. سنجش و بررسی تأثیر اطلاعات مجالس‌النفایس و ترجمه قزوینی در تذکره‌هایی مانند عرفات‌العاشقین، ریاض‌الشعرا و هفت‌قلیم و نفوذ تصحیحات حکمت در منابع کتاب‌شناسی و تاریخ ادبی مانند الذریعه، فرهنگ سخنوران و تاریخ ادبیات در ایران از دیگر موضوعات لازمی است که آنها را پی خواهیم گرفت.

از متن ترکی مجالس‌النفایس نسخ خطی فراوانی در گوشه و کنار کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران وجود دارد که طبق جست‌وجوهایی که انجام شد، از میان نسخی که تا کنون شناسایی و معرفی شده است، دو نسخه موجود در کتابخانه ملی وین و کتابخانه ملی پاریس را باید کهن‌ترین و معتبرترین نسخی دانست که مطالعه و بررسی آنها نقش مهمی در سنجش صحت و سقم مطالب نسخ دیگر چاپ‌ها و ترجمه‌های مجالس‌النفایس دارد. نسخه وین، کهن‌ترین و معتبرترین نسخه باقی‌مانده از اصل متن مجالس‌النفایس است که در سال ۹۰۳ ق. کتابت شده است؛ یعنی دقیقاً هفت سال پس از تألیف اثر و سه سال پیش از

۱. نگارنده در مقاله دیگری تصحیح حکمت از ترجمه فخری را بررسی و انتقاد کرده و اکنون با در دست داشتن نسخ معتبر و اقدام مشغول تصحیح آن است.

فوت مؤلف. نسخه پاریس، دومین نسخه اقدمی است که در سال ۹۳۳ ق. کتابت شده است و نسخه سوم آن در کتابخانه آیت الله مرعشی قم وجود دارد که در سال ۹۳۴ ق. کتابت شده است، ولی متأسفانه بخشی از مجلس چهارم نسخه اخیر از بین رفته و افتادگی دارد. این سه نسخه که بعد از این، از آنها با عنوان نسخ نویافته یاد خواهیم کرد، همگی از نسخ مورد استفاده قزوینی در ترجمه و حکمت در تصحیح آن، اقدم و معتبر است و استفاده آنها از نسخ مغلوپ و متأخر باعث شده است تا اشتباهات فراوانی به ترجمه و تصحیح آنها راه یابد و چه بسا در اختیار داشتن نسخی مانند نسخ نویافته ارتکاب به این اشتباهات را در پی نداشت. ما در متن مقاله از این سه نسخه با علامات اختصاری W و P و M یاد خواهیم کرد.

نگارنده این مقاله با زبان ترکی جغتایی آشنایی دارد و گروهی نیز در این کار با او همکاری داشتند که همگی بر این زبان تسلط دارند. بنابراین، پس از اینکه تصحیح حکمت از ترجمه قزوینی با نسخ نویافته مقابله شد، تمام موارد اختلافات و مطالب انتقادی در دو گروه جای داده شد که گروه اول مربوط به مطالب قزوینی است و گروه دوم مربوط به تصحیح حکمت. مطالب این دو گروه زیرمجموعه‌هایی دارد و برای پرهیز از ارجاعات مکرر به نسخ خطی و کاستن از حجم مقاله، صفحات هر نسخه را در قالب هر بهشت پیشاپیش چنین یادآور می‌شویم:

مجلس اول: نسخه W صفحات ۳۳-۵؛ نسخه P صفحات ۹-۲؛ نسخه M صفحات ۲۶-۵.

مجلس دوم: نسخه W صفحات ۸۲-۳۴؛ نسخه P صفحات ۲۲-۹؛ نسخه M صفحات ۶۷-۲۶.

مجلس سوم: نسخه W صفحات ۱۳۵-۸۳؛ نسخه P صفحات ۳۵-۲۲؛ نسخه M صفحات ۱۰۶-۶۸.

مجلس چهارم: نسخه W صفحات ۱۷۰-۱۳۶؛ نسخه P صفحات ۴۵-۳۵؛ نسخه M صفحات ۱۱۷-۱۰۶.

مجلس پنجم: نسخه W صفحات ۱۸۰-۱۷۱؛ نسخه P صفحات ۴۸-۴۵؛ نسخه M افتادگی دارد.

مجلس ششم: نسخه W صفحات ۱۹۴-۱۸۱؛ نسخه P صفحات ۵۱-۴۸؛ نسخه M صفحات ۱۲۱-۱۱۸.

مجلس هفتم: نسخه W صفحات ۲۰۷-۱۹۵؛ نسخه P صفحات ۵۳-۵۱؛ نسخه M صفحات ۱۳۴-۱۲۲.

نویسنده تا جایی که در منابع کتابخانه‌ای و رایانه‌ای جست‌وجو کرده و خبردار است تا کنون تحقیقی مستقل یا مرتبط با این موضوع انجام نشده است، چرا که اعتماد بیش از اندازه به ترجمه قزوینی و تصحیح حکمت از یکسو و در دسترس نبودن نسخ اقدم از متن ترکی و فارسی از دیگر سو باعث شده است تا پژوهشگران کوچکترین تردیدی درباره محتوای ترجمه قزوینی و تصحیح حکمت به خود راه ندهند.

(۲) بحث و بررسی

مرحله اول تصحیح حکمت زمانی صورت گرفت که متن ترجمه قزوینی را از روی نسخه سعید نفیسی بازنویسی کرد؛ در مرحله دوم، نواقص آن را با نسخه کتابخانه اسعد افندی استانبول برطرف ساخت و در مرحله سوم، متن فارسی به دست آمده را با سه نسخه ترکی مجالس‌النفایس مقابله کرد که یکی از آن محمدعلی تربیت بود و دو نسخه دیگر متعلق به کتابخانه سپهسالار تهران. از این پنج نسخه فارسی و ترکی، دو نسخه فارسی تاریخ ندارد، ولی سه نسخه ترکی به ترتیب در سال‌های ۹۹۷، ۱۰۳۰ و ۱۰۵۱ ق. کتابت شده است و همان طور که خود حکمت در مقدمه تصحیح خود اذعان داشته، تمام نسخ فارسی و ترکی او مغلوط بوده و افتادگی داشته است.

نویسنده با توجه به سه نسخه نویافته و کهنی که در دست دارد مطمئن است که در متن ترجمه قزوینی و تصحیح حکمت اغلاط و کاستی‌های بسیاری وجود دارد. گذشته از افتادگی‌های موجود در بعضی از صفحات این متن، اشتباهاتی نیز در ضبط عناوین شاعران،

ابیات استشهادی و شرح حال آنها رخ داده است که این اشتباهات بعدها به تذکرها و منابع تاریخ ادبی و کتاب‌شناسی راه یافت و این موضوع زمانی روشن خواهد شد که محتوای چاپ حکمت از ترجمه قزوینی را جزء به جزء و دقیق با نسخ نویافته بسنجیم. تأثیری که تذکره *مجالس النفایس* و دو ترجمه آن بر تذکرها و تاریخ ادبیات‌های دوران اخیر گذاشته است، امری انکارناپذیر است و تورقی در تذکره *عرفات العاشقین* و *عرصات العارفین* اوحدی بلیانی و کتاب *تاریخ ادبیات در ایران ذبیح‌الله صفا* مثنی نمونه خروار از تأثیرات این تذکره مهم بر سیر تاریخ ادبیات نویسی است.

ما در اینجا به تحلیل و بررسی متن تصحیح حکمت از ترجمه قزوینی خواهیم پرداخت و اختلافات آن را با نسخ نویافته در دو بخش اصلی بررسی متن مترجم و بررسی متن مصحح نشان خواهیم داد:

۲-۱) بررسی متن مترجم

قزوینی در ترجمه خود به اندازه فخری به متن *مجالس النفایس* که بعد از این از آن با عنوان متن مبدأ نام خواهیم برد، پای بند نبوده است؛ چرا که دخل و تصرفات فراوانی در ترجمه او نمایان است که با نسخ نویافته اقدم و معتبر ترکی همانندی و تطابق ندارد. این دستکاری‌ها گاه شامل مطالبی است که مترجم از ترجمه خود حذف کرده است، گاه مشتمل بر مطالبی است که مترجم به ترجمه خود افزوده است و گاه مطالبی است که مترجم در بخشی از عناوین و محتوای مدخل‌ها در ترجمه خود تغییر داده است. این سه مقوله محذوفات، اضافات و تغییرات مترجم گاه مربوط به نام و مشخصات شاعران در صدر بعضی مدخل‌هاست، گاه در ارتباط با ابیات استشهادی آنان است و گاهی هم مشتمل بر کل محتوای مدخل‌هاست. اینک به بررسی جزئی تک تک موارد فوق خواهیم پرداخت:

۲-۱-۱) محذوفات مترجم

بخشی از دخل و تصرفات قزوینی در ترجمه متن مبدأ مربوط به محذوفاتی است که یا در نام و مشخصات شاعران، ابیات و بخشی از شرح احوال آنان اعمال کرده است و یا در کل محتوای بعضی مدخل‌ها. در محذوفات نوع اول، قزوینی جزئی از عنوان مدخل‌ها اعم

از نام و تخلص بعضی شاعران و یا زادگاه و لقب آنها را حذف کرده‌است و در محذوفات نوع دوم، یک یا چند بیت از اشعار بعضی از آنان را. در محذوفات نوع سوم، قزوینی بخشی از اطلاعات مربوط به شرح احوال بعضی شاعران را حذف کرده‌است و در محذوفات نوع چهارم، بعضی از آنان را اصلاً معرفی نکرده‌است و کل اطلاعات مدخل‌ها را حذف کرده‌است.

انواع حذفیاتی که قزوینی مرتکب آن شده‌است ریشه در عدم پای‌بندی او در اصل امانت‌داری در ترجمه دارد و آن را باید نقطه ضعف ترجمه او برشمرد. محذوفات مربوط به مشخصات شاعران باعث می‌شود تا هویت یک شاعر شناخته شده در میان مشخصات شاعران مشابه دیگر در پرده ابهام و مجهولیت بماند و مخاطب در شناسایی قطعی او دچار سردرگمی شود. وجود ابیات بیشتر از هر شاعر نمایاننده قدرت قریحه و طبع شاعری اوست؛ بنابراین، ثبت و ضبط این نوع ابیات امری ضروری است که قزوینی چندان به آن پای‌بند نبوده‌است. شرح احوال کامل شاعران که نقش به‌سزایی در شناخت آنان دارد و در حقیقت شناسنامه آنهاست، ولی این نوع اطلاعات در ترجمه قزوینی به شکل ناقصی انعکاس یافته‌است. فقدان مدخل بعضی از شاعران در ترجمه قزوینی که بیشتر در "بهشت سوم" ترجمه برجسته است هم، شاید ناشی از نسخ ناقصی بوده که مترجم از روی آن ترجمه خود را ترتیب داده‌است و یا اینکه عمداً به معرفی آنان نپرداخته‌است. متن کامل تمامی محذوفات قزوینی در نسخ نویافته متن مبدأ وجود دارد و جزئیات آن چنین است:

۱-۱-۱) حذف جزئی از نام و مشخصات شاعران در صدر بعضی مدخل‌ها در

ترجمه قزوینی که صورت کامل آنها در نسخ نویافته ثبت است:

- «قاضی محمد: در خراسان از جمله علم و فضل است ... این مطلع ازوست: گفتمش

گل، گل برآمد رنگ رخسارت ز مل / غنچه او در تبسم شد که از گل‌ها چه گل» (امیر

علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۱۸۹).

این شاعر همان قاضی محمد امامی است که در سه نسخه W و P و M به درستی به همین شکل ثبت است، ولی قزوینی صفت نسبی امامی را از مشخصات او حذف کرده و تنها به صورت قاضی محمد آورده است.

- «خواجه فضل الله سمرقندی: او را به واسطه کثرت دانش علم فقه ابوحنیفه ثانی می گویند ... این مطلع ازوست، مطلع: قد چون سرو تو جان است مرا بلکه روان/ سویم ای سرو روان شو که فدا سازم جان» (همان: ۲۰۱).

این شاعر همان خواجه فضل الله ابواللیثی است که در دو نسخه W و P به درستی به همین شکل ثبت است، ولی قزوینی همراه با کاتب نسخه M صفت نسبی ابواللیثی را از مشخصات او حذف کرده و تنها به صورت خواجه فضل الله سمرقندی آورده است.

- «مولانا فصیح: شخصی تواناست و مردی دانا و در دانش بی نظیر و بی همتا... این بیت در باب نهران داشتن اسرار ازوست: هر نفسی کز تو کسی بشنود/ بی شک ازو هم نفسی بشنود» (همان: ۲۰۵).

این شاعر همان مولانا فصیح رومی است که در دو نسخه W و P به درستی به همین شکل ثبت است، ولی قزوینی همراه با کاتب نسخه M صفت نسبی رومی را از مشخصات او حذف کرده و تنها به صورت مولانا فصیح آورده است.

- «خواجه برهان: از فرزندان حضرت شیخ الاسلام احمد جام است... در این مطلع تصنیف اصفهان ازوست: رسیده موسم شادی و ذوق و عیش و طرب/ اگر گدا به مراد دلی رسد چه عجب» (همان: ۲۱۵).

این شاعر همان خواجه یوسف برهان است که در دو نسخه W و P به درستی به همین شکل ثبت است، ولی قزوینی نام یوسف را از مشخصات او حذف کرده و تنها به صورت خواجه برهان آورده و کاتب نسخه M هم خواجه یوسف برهانی ضبط کرده است. محذوفات دیگری در ترجمه قزوینی وجود دارد که مربوط به نام و مشخصات بعضی شاعران است و ما در اینجا به صورت فهرست وار به آنها اشاره کرده ایم و ضبط کامل آنها طبق نسخ نویافته چنین است:

- مولانا روحی (همان: ۱۹۰): در دو نسخه W و P مولانا روحی یارزی و در نسخه M مولانا روحی بازدری.
- مولانا صاحب (همان: ۱۹۰): در سه نسخه W و P و M مولانا صاحب بلخی.
- مولانا آهی (همان: ۱۹۱): در دو نسخه W و P مولانا علی آتشی.
- مولانا علی جامی (همان: ۲۰۷): در تمامی سه نسخه W و P و M مولانا حافظ علی جامی.
- مولانا نجومی (همان: ۲۱۲): در سه نسخه W و P و M مولانا حاجی نجومی.
- مولانا سعیدیگ (همان: ۲۲۵): در تمامی سه نسخه W و P و M مولانا نور سعیدیگ.
- مولانا دوست (همان: ۲۵۱): در سه نسخه W و P و M مولانا دوست محمد.
- مولانا واعظ (همان: ۲۶۸): در تمامی سه نسخه W و P و M مولانا حسین واعظ.
- خواجه عبدالله (همان: ۲۸۱): در نسخه W خواجه عبدالله صدر.
- ۲-۱-۱-۲ حذف ابیات بعضی از شاعران در ترجمه قزوینی که صورت کامل آنها در نسخ نویافته ثبت است:
- «مولانا قدسی: هروی است... مرض لقوه دارد ... و درین باب این بیت گفته: با وجود چنین دهن که مراست/ شعر گویم که آب از آن بچکد» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۱۹۰).
- از این شاعر بیت دیگری در تمامی سه نسخه W و P و M ثبت است که قزوینی آن را از متن ترجمه خود حذف کرده است و آن بیت چنین است: «ای که منعم می کنی از دیدن آن گل عذار/ حالت دل را نمی دانی مرا معذور دار» و در نسخه M جای دو مصراع بالا عوض شده است.
- «مولانا قدیمی: به نقاره چی گری مشهور است ... مطلع خوب ازوست، مطلع: بی جمالش دیده روشن چه کار آید مرا/ روشنی در دیده از دیدار یار آید مرا» (همان: ۱۹۶).

از این شاعر بیت دیگری در تمامی سه نسخه W و P و M ثبت است که قزوینی آن را از متن ترجمه خود حذف کرده است و آن بیت چنین است: «آه از آن ساعت که ناگه در رهی پیش آیدم / مدتی باید که تا دل برقرار آید مرا».

- مولانا محمد عرب: مردی دانشمند بود... این مطلع ازوست، مطلع: خط سبزت همگی مایه دلشادی ماست / این خط سبز مگر نامه آزادی ماست» (همان: ۲۰۳).

از این شاعر بیت دیگری به جای بیت بالا در تمامی سه نسخه W و P و M ثبت است که قزوینی آن را در ترجمه خود حذف کرده و آن بیت چنین است: «کسی محرم شاه جز شاه نیست / ز احوال شه جز شه آگاه نیست».

- مولانا ضیاء تبریزی: مردی خوش خلق و شیرین کار و کم آزار بود... این مطلع ازوست، مطلع: عجب نبود اگر پروانه امشب ترک جان کرده / که بیند نخل عمر شمع بنیاد خزان کرده» (همان: ۲۳۸-۲۳۷).

از این شاعر بیت دیگری در دو نسخه W و P ثبت است که قزوینی آن را در ترجمه خود حذف کرده و آن بیت چنین است: «خوش آن ساعت که آید ترک من شمشیر کین با او / رقیبان جمله بگریزند و من مانم همین با او».

محدوفات دیگری در ترجمه قزوینی وجود دارد که مربوط به حذف ابیات بعضی شاعران است و ما در اینجا به صورت فهرست وار به آنها اشاره کرده ایم و ضبط کامل آنها طبق نسخ نویافته ترکی چنین است: مولانا مسیب (همان: ۲۲۶): «گذشت عمر و ز غفلت من آنچه من مستم / که هیچ توبه نکردم که باز نشکستم».

- مولانا نورالدین عبدالرحمان جامی (همان: ۲۲۹): «رهروان بارکش را سهل دان آشام قهر / در دهان ناقه خار خشک خرما تر است».

- مولانا سالمی (همان: ۲۳۹): «نگارم اشارت به لب می کند / اگر دیده نامش طلب می کند».

- حسن علی (همان: ۲۵۲): «نکویان دل دردمندان زار / فریبند بی غایت و بی شمار».

- مولانا نظام (همان: ۲۶۰): «باز گلزار خط از سبزه تر پیدا کرد / کار بستان جهان رنگ دگر پیدا کرد».
- ۲- ۱- ۳) حذف بخشی از شرح احوال بعضی از شاعران در ترجمه قزوینی که صورت کامل آنها در نسخ نویافته ثبت است:
- شیخ آذری (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۱۰): «بعضی کتب مثل عجایب‌الدنیا و جواهرالاسرار از شیخ است و دیگر مصنفات نیز دارد».
- مولانا شرف (همان: ۱۱): «همیشه بر سر تاج نمده نهاده، قورچق می‌پیچید و به مردم نیز آمیزشش کمتر می‌بود».
- مولانا یحیی سبیک (همان: ۱۳): «مولانا مرد درویش و قانع بود و جهت آنکه گوشه اختیار کرده بود، لطائف طبعش کمتر شهرت گرفت و در سنه اثنی و خمسين و ثمانمائه از عالم رفت».
- مولانا برندق (همان: ۱۹): «شعرای آن زمان از زبان او ترسیده، او را به لفظ استادی خطاب می‌کرده‌اند».
- امیر شاهی (همان: ۲۴-۲۳): «از سربدالان سیزوار بوده... مرد فراغت‌دوست بود و خوش‌باش... غزل گفته و کم گفته، اما پیش همه مردم مستحسن و پسندیده است. اگرچه فقیر او را ندیدم، اما در میان او و فقیر اعلام و ارسال واقع شد...».
- خواجه اوحد مستوفی (همان: ۲۶): «به لقب کدود شهرت داشت... این فقیر به صحبت آن بزرگوار می‌رسید و التفات بسیار داشت. در شعر دیوان ترتیب کرد و قصاید خوب دارد».
- میر مفلسی (همان: ۲۹): «در انگشت‌های خود حلقه‌ها انداخته پیوسته با خود سخن می‌کرد، اما در محلی که هوش داشت ابیات خوب گفته‌است».
- سید سربرهنه (همان: ۹۱): «در ایام جوانی به عاقل کنگر تعلق پیدا کرد و از طریق صلاح و عافیت عنان تافته، باز گردید و پیش صلوات جوان شد...».

- حسن علی جلایر (همان: ۱۰۸): «سلطان صاحب‌قران... او را تربیت‌های نیک کرد، چنانکه حاکم بعضی ولایت شد و در بعضی رکن امور سلطنت مُهر زد و در پروانچی‌گری و نیابت دخل کرد...».

- مولانا صالحی (همان: ۱۱۸): «بعد از شهرت نظم عروض خواند و از صنایع شعر صاحب‌وقوف شد و او را به بنایی منسوب می‌دارند...».

محدوفات دیگری در ترجمه قزوینی وجود دارد که مربوط به شرح احوال کامل شاعران است و ما در اینجا به چند مورد بالا اکتفا کردیم، چرا که ذکر تمامی آنها در اینجا به درازا خواهد کشید.

۲-۱-۱-۴) حذف شرح احوال بعضی از شاعران در ترجمه قزوینی که صورت کامل آنها در نسخ نویافته ثبت است:

- شاعران بهشت اول (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۱۹۸-۱۸۳): مولانا علی شهاب و محمدعلی شغانی.

- شاعران بهشت دوم (همان: ۲۲۸-۱۹۹): مولانا بروجی و مولانا صفایی.

- شاعران بهشت سوم (همان: ۲۶۳-۲۲۹): درویش حسامی، مولانا سلامی، مولانا فارغی، مولانا ابوطاهر، مولانا هجری، مولانا مشربی، مولانا وفایی، مولانا حبیب، مولانا حریمی، مولانا قلندر، مولانا قرانی، مولانا شادی، مولانا خلیل، مولانا هیبتی، مولانا فنایی، مولانا قنبری، سید عارف، لطفی ثانی، مولانا عدیمی، مولانا شبایی، مولانا درویش، مولانا عیانی، مولانا غیاث‌الدین، سید عبداللطیف، مولانا محمد، مولانا فخری، مولانا رکنی، مولانا ناصحی، مولانا طایری، سید حزینی، مولانا مهدی، مولانا طایفی، مولانا نایی، امیر لوند، مولانا بهشتی، مولانا نرگسی، میر اسدالله، میر احدالله، مولانا شاه‌علی، میر حسین، مولانا کاشفی یا کاشی، مولانا زایری، مولانا قانعی، مولانا ضیایی، مولانا نوری، مولانا فیضی، مولانا عینی، مولانا معنی یا معینی، مولانا خضری و استاد محمد اوبهی.

- شاعران بهشت چهارم (همان: ۲۸۱-۲۶۴): میر غیاث‌الدین عزیز، خواجه کمال

عودی، علی کرمال، سلطان ابراهیم مشعشع، مولانا خواندمیر، حاجی محمد، حافظ محمد

سلطان شاه، مولانا فخری، سید اسدالله، مولانا قاسم، مولانا علی، مولانا شهاب، مولانا شریف باغ‌شهری، مولانا شاه‌علی، مولانا بهلول، پهلوان درویش محمد، انیسی، محمدعلی، پهلوان سلطان علی کشتی‌گیر، خواجه قطب‌الدین، خواجه یوسف مهنه و خواجه یحیی.

- شاعران بهشت پنجم (همان: ۲۸۵-۲۸۲): میر ابراهیم، شیرم و بیگی ملکی.

- شاعران بهشت ششم (همان: ۳۱۲-۲۸۶): ادهمی و خواجه علاءالدین و مولانا اهلی

شیرازی.

- شاعران بهشت هفتم (همان: ۳۱۶-۳۱۳): ابابکر میرزا، سلطان اسکندر شیرازی،

خلیل سلطان، جهان‌شاه میرزا، یعقوب میرزا، سلطان احمد میرزا، بایقرا میرزا، شاه غریب میرزا، فریدون حسین میرزا، محمدحسین میرزا، بایسنغر میرزا، سلطان مسعود میرزا و سلطان علی میرزا.

۲-۱-۲) اضافات مترجم

بخش دیگری از دخل و تصرفات قزوینی در ترجمه متن مبدأ مربوط به اضافاتی است که در نام و مشخصات شاعران، ابیات و بخشی از شرح احوال آنان رخ داده‌است. در اضافات نوع اول، قزوینی لقبی به نام و مشخصات شاعر افزوده‌است تا بهتر بتواند او را بشناساند و در اضافات نوع دوم، علاوه بر ابیات مندرج در متن مبدأ، ابیات دیگری را به بعضی شاعران نسبت داده‌است. در اضافات نوع سوم، قزوینی اطلاعاتی جز آنچه در متن مبدأ است، درباره شرح احوال بعضی شاعران ذکر کرده‌است.

در اصل متن مبدأ نشانی از هیچ‌کدام از اضافات قزوینی وجود ندارد و دقیقاً روشن نیست که مترجم با اتکا بر حافظه و اطلاعات خود این اطلاعات را به ترجمه خود افزوده‌است و یا منابع تاریخی ادبی دیگری در اختیار داشته و بر اساس آنها به تکمیل مطالب متن مبدأ پرداخته‌است؛ به هر حال، تحقیقی مفصل درباره این اضافات و شناسایی مأخذ اصلی آن و میزان صحت و سقم مطالب ترجمه قزوینی با رجوع به تذکره‌های دیگر کاری مفید و لازم است که مجال دیگری می‌طلبد.

۲- ۱- ۲- ۱) افزودن القابی به نام و مشخصات شاعران در صدر بعضی مدخل‌ها در ترجمه قزوینی که در نسخ نویافته نشانی از آنها وجود ندارد:

- «ملک ساقی بیگ: پسر یخشی بیگ است... این مطلع ازوست، مطلع: قلاده سگ او کن زه گریانم / که هر زمان نفتد چاک تا به دامانم» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۲۸۵).

این شاعر همان ساقی است که در دو نسخه W و P به همین شکل ثبت است، ولی قزوینی پیشوند و پسوند ملک و بیگ را به مشخصات او اضافه کرده و به صورت ملک ساقی بیگ آورده است.

۲- ۱- ۲) افزودن ابیاتی به شعر بعضی از شاعران در ترجمه قزوینی که در نسخ نویافته نشانی از آنها وجود ندارد:

- «امیر قاسم انوار: ... امیر مذکور از سراب است... این مطلع نیز ازوست: آنها که به جز روی تو جایی نگرانند / کوه نظرانند و چه کوه نظرانند» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۱۸۴).

قزوینی بیت بالا را همراه با ابیاتی دیگر به قاسم انوار نسبت داده است، ولی در هیچ کدام از سه نسخه نویافته نشانی از انتساب این بیت به قاسم انوار نیست.

- «مولانا خیالی: شاگرد خواجه عصمت است و این مطلع خوب ازوست: ای تیر غمت را دل عشاق نشانه / خلقی به تو مشغول و تو غایب ز میانه - گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد / یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه - هر کس به زبانی سخن عشق تو گوید / عاشق به سرود غم و مطرب به ترانه - مقصود من از کعبه و بتخانه تویی تو / مقصود تویی کعبه و بتخانه بهانه» (همان: ۱۸۸).

از چهار بیت بالا تنها دو بیت نخست در سه نسخه نویافته ثبت است و قزوینی دو بیت آخر را به متن ترجمه اضافه کرده است.

- «مولانا عبدالله: در خدمت حضرت مخدومی نورا مولانا عبدالرحمان جامی بوده ... این دو بیت در تعریف صحرای جنگ از آن کتاب [ظفرنامه] است، مثنوی: فتاده در آن

پهنه‌دشت درشت / سر ناتراشیده چون خارپشت - نترسی ز خرطوم فیلان مست / که آن آستینی است خالی ز دست» (همان: ۲۳۵).

از دو بیت بالا، تنها بیت اول در سه نسخه نویافته ثبت است و قزوینی بیت دوم را به متن ترجمه اضافه کرده است.

- «مولانا بهشتی: انیس مولانا حمید کل است ... این مطلع ازوست، مطلع: شمع امشب ترک دعوی بارخ آن ماه کن / تیره کردی مجلس ما را زبان کوتاه کن» (همان: ۲۶۱).

قزوینی بیت بالا را به مولانا بهشتی نسبت داده و به متن ترجمه افزوده است در حالی که در هیچ کدام از سه نسخه نویافته نشانی از انتساب این بیت به مولانا بهشتی وجود ندارد. اضافات دیگری در ترجمه قزوینی وجود دارد که مربوط به ابیات بعضی شاعران است و در نسخ نویافته ترکی نشانی از آنها نیست و ما در اینجا به صورت فهرست‌وار به آنها اشاره کرده‌ایم:

- «مولانا کاتبی: این سرخی شفق که برین چرخ بی‌وفاست / هر شام عکس خون شهیدان کربلاست - چرخ پلنگ‌رنگ چرا کرده روبهی / با شیرزاده‌ای که سگش آهوی خطاست» (همان: ۱۸۷).

- «مولانا محمد عرب: خط سبزت همگی مایه دلشادی ماست / این خط سبز مگر نامه آزادی ماست» (همان: ۲۰۳).

- «مولانا آصفی: مجنون لباس کعبه سیه دید و حال کرد / مسکین پلاس خانه لیلی خیال کرد» (همان: ۲۳۱).

- «مولانا صالح: نازم به چشم خود که جمال تو دیده است / اتم به پای خود که به کویت رسیده است - هر دم هزار بوسه ز نم دست خویش را / کو دامنت گرفته به سویم کشیده است - در زر بگیرم از ره تعظیم گوش را / کاو از جانفزای تو روزی شنیده است - هوش و خرد فدای دل خویشانم / کز جام تو شراب محبت کشیده است - وابستگی به صالح از آن شد دل مرا / کز هر چه غیر توست به کلی رمیده است» (همان: ۲۹۰).

- ۲-۱-۲) افزودن مطالبی به شرح احوال کامل بعضی از شاعران در ترجمه قزوینی که در نسخ نویافته نشانی از آنها وجود ندارد:
- «سید علی هاشمی: طبعی زیبا دارد و فهمی رعنا و کسی حسن الخلق و الخلق است» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۱۸۹).
- «مولانا شیخی: ... بسیار شیرین حرکات و نیکوسکنت است و گفتار خوب دارد و کردار مرغوب و در فن موسیقی علمی و عملی بی نظیر و بی همتاست... از محبت دنیا و هوا و هوس برگشته و تخم محبت خدا و رسول در دل کشته» (همان: ۱۹۶).
- «مولانا شرف‌الدین علی: تصانیف او در علم جفر و سایر علوم غریبه بسیار است و در میان عالمیان مشهور» (همان: ۱۹۹).
- «مولانا برهان: دانشمندی خوش طبع و شوخ فهم است و بسیار سبک‌روح و پرفتوح است... بعضی ظریفان چون به مولانا ظرافت می کنند می گویند که مولانا از ظرفای زمان پیشین است و از خوش طبعان ایام قدیمه و مولانا ازین سخن ایشان بسی غضبناک و مضطرب و پریشان می شود» (همان: ۲۶۶-۲۶۵).
- «مولانا مسعود: ... در اثنای تدریس درسی در خدمت حضرت مولانا عبدالرحمان جامی می خواند و مولانا مسعود بر اکثر کتب مشهوره حاشیه نوشته و از جمله حاشیه شرح طوابع و حاشیه شرح مواقف او پیش جمهور مشهور است» (همان: ۲۶۶).
- «میر عطاءالله: ... در آن زمان کافیه نحو می خواند... هرگز کسی ازو طوری ناپسندیده ندیده بود و ازو صفتی غیر جمیل نشنیده» (همان: ۲۶۶).
- «مولانا فانی: پیش میر سربرهنه به کسب کشف و کرامات اولیا مشغول است و از جمله مقبولان میر است و شخصی بی تکلف و بی پرواست و در همه دل‌ها به دوستی او را جاست» (همان: ۲۸۸).
- «مولانا ناصرالدین: ... غایت همّت مولانا ناصرالدین آنکه بر اسبی رنگین نشیند و طبل و بازی بر زین بندد و در میان سواران خود را مزین بیند» (همان: ۲۸۸).

- «مولانا همایی: ... شعر او در پیش عراقیان مشهور است و مولانا جوانی قابل است و بسی دانا و کم‌گو و بر شعر گفتن توانا و خوش‌خو» (همان: ۲۹۸).

- «مولانا خالدی: ... انواع فضایل کمالات در نفس خود جمع فرمود و فی‌الواقع مردی صالح و متدین بود» (همان: ۲۹۹).

اضافات دیگری در ترجمه قزوینی وجود دارد که مربوط به بخشی از شرح احوال شاعران است و ما در اینجا به چند مورد بالا اکتفا کردیم، چرا که ذکر تمامی آنها در اینجا به درازا خواهد کشید.

۲- ۱- ۲- ۴) افزودن شرح احوال بعضی از شاعران در ترجمه قزوینی که در نسخ نویافته نشانی از آنها وجود ندارد:

- «گلخنی: خواهرزاده شهیدی است و شهیدی خال اوست... از کثرت شرارت او میر علیشیر می‌خواسته که او را از خراسان اخراج کند، در آن وقت این غزل گفته، غزل: آنم که به عالم ز من افتاده‌تری نیست / آزار من سوخته چندان هنری نیست - مستی خشم و گلرخ من آتش سوزان / تا نیک نگه می‌کنی از من اثری نیست. این مطلع نیز ازوست...» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۲۹۷).

۲- ۱- ۲) تغییرات مترجم

بخش دیگری از دخل و تصرفات قزوینی در ترجمه متن مبدأ مربوط به تغییراتی است که در محتوای مدخل‌ها اعمال کرده‌است. این تغییرات مربوط به بخشی از شرح احوال و ایات بعضی شاعران است که مترجم اطلاعات متفاوتی را نسبت به نسخ نویافته ترکی در ترجمه خود انعکاس داده‌است. دقیقاً روشن نیست علت اختلاف میان مطالب متن مبدأ و متن مقصد چیست، ولی احتمال دارد ناشی از سهوهای آگاهانه یا غیر آگاهانه مترجم زمان ترجمه باشد و یا ریشه در تسلط ناکافی او بر زبان ترکی جغتایی داشته باشد. به هر حال، موارد زیر از این نوع تغییراتی است که تحلیل و بررسی مفصل آنها جای تحقیق دارد:

۲-۱-۳) تغییر در شرح احوال و ابیات بعضی از شاعران در ترجمه قزوینی که صورت صحیح آنها در نسخ نویافته ثبت است:

- قزوینی در ترجمه خود درباره مولانا کاتبی چنین ذکر کرده است: «اگر تربیت سلطانی مثل سلطان صاحبقران سلطان حسین می یافت کمال او زیب و زین خوب تر می یافت» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۱۸۶)؛ در حالی که در تمامی سه نسخه W و P و M و ترجمه فخری چنین ثبت است: «اگر مثل سلطان صاحبقران ما پادشاه سخندانی او را مرئی می بود... دل بسیار مردم را از شعر گفتن سرد می کرد».

- قزوینی در ترجمه خود درباره خواجه عصمت چنین ذکر کرده است: «خود را به شاعری و انشاء مشهور و مستور گردانیده» (همان: ۱۸۸)؛ در حالی که در تمامی سه نسخه W و P و M و ترجمه فخری چنین ثبت است: «از غایت شوخ طبعی خود را به شعر منسوب ساخت و دیوانش شهرت گرفت».

- قزوینی در ترجمه خود درباره مولانا آهی چنین ذکر کرده است: «غالباً این بیت او دلیل عدم شهرت آن خمسه است: شعری که بود ز نکته ساده / ماند همه عمر یک سواده» (همان: ۱۹۱)؛ در حالی که در تمامی سه نسخه W و P و M و ترجمه فخری چنین ثبت است: «در یک کتابش که موسوم به خیال و وصال است یک بیت دارد که هم در باب شعر خودش خدا به زبان او انداخته است: شعری که بود ز نکته ساده / ماند همه عمر یک سواده».

- قزوینی در ترجمه خود درباره مولانا طالب چنین ذکر کرده است: «انوار خواجه حافظ برو تافته، زیرا که در مزار او ساکن می بوده» (همان: ۱۹۳)؛ در حالی که در تمامی سه نسخه W و P و M و ترجمه فخری چنین ثبت است: «در شیراز نشو و نما یافته و مزار او در پایان پای خواجه حافظ است».

- «مولانا عارفی: شخصی در غایت فضل و کمال بوده ... مثنوی: هر گاه که در عرق شدی عرق / باران بودی و در میان برق - چون گوی سپهر کرد بستی / میدان میدان چو گوی جستی» (همان: ۱۹۴)؛ در حالی که ترتیب این دو بیت در تمامی سه نسخه W و P و M جابه جاست و اول، بیت دوم است، سپس بیت اول.

- قزوینی در ترجمه خود درباره مولانا سلیمان چنین ذکر کرده است: «این مطلع خواجه حافظ را نیکو تتبع کرده، مطلع: یاد باد آنکه سر کوی توأم منزل بود/ دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود- حل این نکته که بر پیر خرد مشکل مشکل بود/ آزمودیم به یک جرعه می حاصل بود- گفتم از مدرسه پرسم سبب حرمت می/ در هر کس که زدم بیخود و لایعقل بود» (همان: ۱۹۴)؛ در حالی که طبق سه نسخه W و P و M و ترجمه فخری تنها بیت اول مطلع غزل حافظ است و دو بیت بعدی ابیات اولیه غزل مولانا سلیمان است: «در جواب این مطلع خواجه حافظ که، مطلع: یاد باد آنکه سر کوی توأم منزل بود/ دیده را روشنی از خاک درت حاصل بود. این مطلع ازوست، مطلع: حل این نکته که بر پیر خرد مشکل مشکل بود/ آزمودیم به یک جرعه می حاصل بود. بیت دوم این است، بیت: گفتم از مدرسه پرسم سبب حرمت می/ در هر کس که زدم بیخود و لایعقل بود».

تغییرات دیگری در ترجمه قزوینی وجود دارد که مربوط به بخشی از شرح احوال و ابیات بعضی شاعران است و ما در اینجا به صورت فهرست وار به آنها اشاره کرده ایم:

- ترجمه قزوینی: «مولانا حاجی ابوالحسن: ... در اثنای طالب علمی ترک طلب نمود» (همان: ۱۹۶).

سه نسخه W و P و M و ترجمه فخری: «ترک است، اما به قدر طالب علمی کرده».

- ترجمه قزوینی: «میر صدرالدین مجذوب: ... درین حال [غلبه جذب] سخنان خوب می گفت و شعرهای پخته نیز ازو ناشی می گشت» (همان: ۲۰۳-۲۰۲).

سه نسخه W و P و M و ترجمه فخری: «گاهی به حال خود آمده با علما بحثی می کرد که همه او را مسلم می داشتند».

- ترجمه قزوینی: «مولانا طوطی: ... اگر چون کاتبی در جوانی نمی مُرد بسی اشعار خوب ازو می ماند» (همان: ۲۰۴).

سه نسخه W و P و M و ترجمه فخری: «در قصیده تتبع مولانا کاتبی می گفت... در جوانی فوت شد».

- ترجمه قزوینی: «مولانا سیفی بخاری: ... مولانا از جهت عامه جوانان شهر شعرهای خوب خوب گفته (همان: ۲۳۱).

سه نسخه W و P و M و ترجمه فخری: «برای اهل صنعت و حرفه نیز لطایف بسیار نظم کرد».

۲-۲) بررسی متن مصحح

حکمت در تصحیح ترجمه قزوینی دو نسخه فارسی در اختیار داشت که شالوده کارش بر نسخه سعید نفیسی بود، ولی این نسخه را در سال ۱۳۲۱ ش. برای نفیسی از روی نسخه دیگری رونویسی کرده بودند و روشن نیست چه مقدار دخل و تصرف در رونویسی به متن نسخه جدید وارد شده است. نسخه دوم حکمت همراه با سه نسخه ترکی او نیز همگی مغلوپ و متأخر بودند؛ بنابراین، جای هر گونه ورود اشتباه در تصحیح او مهیا بود. پای بندی بیش از اندازه حکمت به دو نسخه فارسی ترجمه قزوینی گاهی اوقات از عوامل ورود اشتباه در تصحیح اوست، چرا که رجوع به ترجمه فخری و ارجح دانستن بعضی از ضبط های سه نسخه ترکی او نقش مهمی در کاهش میزان اشتباهات تصحیح او داشت. جزئیات اختلافاتی که در تصحیح حکمت برجستگی دارد و در مقایسه آن با نسخ نویافته معتبر و اقدم باید آنها را اشتباه برشمرد، چنین است:

۲-۲-۱) اختلافات متن مصحح با نسخ نویافته

بخشی از اختلافات و تصحیحات نادرست حکمت مربوط به نام و مشخصات شاعران، صورت اییات آنان و اسامی اشخاص و اماکن است. در اختلافات نوع اول، حکمت مشخصات بعضی شاعران را اعم از نام، تخلص، لقب و زادگاه آنان در صدر مدخل ها به نادرستی تصحیح کرده است و در اختلافات نوع دوم، صورت بعضی از اییات شاعران را. در اختلافات نوع سوم، بعضی از اسامی اشخاص و اماکن ضمن شرح احوال شاعران نادرست شده است و در اختلافات نوع چهارم، بخش هایی از متن ترجمه جزء اضافات مترجم پنداشته شده و در داخل گروه درج شده است، در حالی که متن آنها در نسخ نویافته ترکی وجود دارد و بایستی بیرون از گروه و در قرار متن آید.

تصحیح نادرست نام و مشخصات هر شاعر باعث خواهد شد تا آن شاعر با شاعر دیگری اشتباه شود و شرح احوال و آثار او به دیگری انتساب یابد، همان‌طور که اسامی اشخاص و اماکن نیز اگر در متن نادرست تصحیح شوند، اختلال در جزئیات رخدادهای زندگانی یک شاعر را در پی خواهد داشت. تصحیح نادرست ابیات شاعر نیز باعث اختلال در نظام معنایی و وزنی شعر خواهد شد، همان‌طور که اگر ترجمه متن مبدأ را افزوده مترجم بدانیم راه هر گونه مقایسه مطالب میان دو متن مبدأ و مقصد بسته خواهد شد.

۲-۱-۱) اختلافات جزئی از نام و مشخصات شاعران در صدر بعضی مدخل‌ها در تصحیح حکمت که صورت صحیح آنها در نسخ نویافته ثبت است:

- «مولانا زینتی: طبعی خوب و دلپذیر داشته ... این مطلع ازوست، مطلع: صنوبر تا ز خدمتکاری سروت جدا مانده / شده دیوانه ژولیده مو سر در هوا مانده» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۲۱۳).

این شاعر همان مولانا زینی سیزواری است که در سه نسخه W و P و M به همین شکل ثبت است، ولی حکمت مشخصات او را اشتباهاً مولانا نازینتی تصحیح کرده است.

- «مولانا سعدی: مشهدی بوده ... این مطلع ازوست، مطلع: ز بهر قطع هستی حیل از صد جای انگیزم / مگر یک لحظه با آن دلبر خودرای آمیزم» (همان: ۲۱۶).

این شاعر همان مولانا سعیدی مشهدی است که در دو نسخه W و P به همین شکل ثبت است، ولی حکمت همراه با کاتب نسخه M مشخصات او را اشتباهاً مولانا سعدی تصحیح کرده است.

- «مولانا نقیبی: مشربی تند و تیز داشته ... به زبان فارسی نیز این مطلع ازوست، مطلع: صبحی که دم به مهر نزد یک نفس تویی / نخلی که بر نخورد ازو هیچ کس تویی» (همان: ۲۲۴).

این شاعر همان مولانا یقینی است که در سه نسخه W و P و M به همین شکل ثبت است، ولی حکمت مشخصات او را اشتباهاً مولانا نقیبی تصحیح کرده است

- «مولانا محبتی: جوانی تازه است ... این مطلع ازوست، مطلع: سحر چو روی خود آن ماه در نقاب گرفت / فغان ز خلق برآمد که آفتاب گرفت» (همان: ۲۵۸).

این شاعر همان مولانا محبتی است که در سه نسخه W و P و M به همین شکل ثبت است، ولی حکمت مشخصات او را اشتباهاً مولانا محبتی تصحیح کرده است.

اختلافات دیگری در تصحیح حکمت وجود دارد که مربوط به نام و مشخصات بعضی شاعران است و ما در اینجا به صورت فهرست وار به آنها اشاره کرده ایم و ضبط درست آنها طبق نسخ نویافته ترکی چنین است:

"بهشت اول" (همان: ۱۹۸-۱۸۳): مولانا شرف = مولانا اشرف - مولانا یحیی شیبک = مولانا یحیی شیبک - مولانا آهی = مولانا علی آتشی یا مولانا علی آسی - مولانا زاهد = مولانا زاهدی - مولانا امیر = مولانا امیری - مولانا بایزید = مولانا برندق - مولانا سلیمان = مولانا سلیمانی - مولانا شیخی = مولانا مسیحی.

"بهشت دوم" (همان: ۲۲۸-۱۹۹): میر صدرالدین مجذوب = میر حیدر مجذوب - سید کمال کجکعل = سید کمال کجکول یا سید کمال کجلول - خواجه حسین خضرشاه = خواجه حسن خضرشاه - مولانا قبری = مولانا قنبری - جریمی قلندر = جریمی قلندر - مولانا محمد ابلی = مولانا محمد آملی - درویش نازک = درویش نازکی - خواجه محمد مجلد = خواجه احمد مجلد - مولانا اتالی = مولانا اتایی - مولانا سکالی = مولانا سکاکی - مولانا میر سید = مولانا بلال یا مولانا محمد بلالی - میرزا علی = درویش بیگ.

"بهشت سوم" (همان: ۲۶۳-۲۲۹): سید لکه سمرقندی = سید قطب لکه - مولانا مقیمی = مولانا مقبلی - مولانا سالمی = مولانا سایلی - خواجه موشی = خواجه موسی - مولانا زیرک = مولانا زیرکی - مولانا نظیرالدین = مولانا اثیرالدین - مولانا هلالی = مولانا هلاکی - مولانا ظاهر = مولانا طاهری - مولانا صفایی = مولانا صفاتی - مولانا عاصی = مولانا عاصمی - مولانا بهشتی = مولانا هراتی - مولانا فیضی = مولانا فضلی - مولانا طاهری = مولانا طاهری - مولانا دامی = مولانا داعی یا مولانا دایمی.

"بهشت چهارم" (همان: ۲۸۱-۲۶۴): سید حسین باوردی = میر سید حسن ایوردی - مولانا صفی = مولانا صیفی - مولانا نامی = مولانا نایی - مولانا محمد نائینی = مولانا محمد نامی - خواجه حسن کیرنگی = خواجه حسین کیرنگی.

"بهشت پنجم" (همان: ۲۸۵-۲۸۲): امیر حسن جلایر = حسین علی جلایر.

"بهشت ششم" (همان: ۳۱۲-۲۸۶): خواجه خسرو = خواجه خورد - خواجه فضل‌الله = خواجه خوانند یا خواجه خواند - مولانا فانی = مولانا شهودی - مولانا مؤمن سمرقندی = مولانا مؤمنی - مولانا صبری = مولانا خیری - مولانا صالح = مولانا صالحی - مولانا بیاضی = مولانا بیضایی.

۲-۲-۱-۲) اختلافات مندرج در صورت ضبط ابیات بعضی شاعران در تصحیح حکمت که صورت صحیح آنها در نسخ نویافته ثبت است:

- «حافظ سعد: سر می ندارم مدار و می آر/ بمان سعد را بر سر کوی یار» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۱۸۵-۱۸۴).

مصراع اول بیت بالا در سه نسخه W و P و M چنین ثبت است: «سر می ندارم مدار و میار».

- «شیخ آذری: من ترک هند و جیفه چپال گفته‌ام/ باد بروت گونه به یک جو می خرم» (همان: ۱۸۶-۱۸۵).

مصراع دوم بیت بالا در سه نسخه W و P و M چنین ثبت است: «باد بروت گونه به یک جو نمی خرم».

- «شیخ صدرالدین روایی: زهی از عارض و چشمت مرا نور/ همیشه از جمالت چشم بد دور» (همان: ۲۰۲).

مصراع اول بیت بالا در سه نسخه W و P و M امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳ چنین ثبت است: «زهی از عارضت چشم مرا نور».

- «میر ارغون: ای ز جام حسن سرخوش سوی مخموری ببین/ زانکه اشک خویش را پیوسته بر روی جبین» (همان: ۲۱۷).

مصراع دوم بیت بالا در سه نسخه W و P و M چنین ثبت است: «زانکه اشک خویش را پیوسته دارد بر جبین».

اختلافات دیگری در تصحیح حکمت وجود دارد که مربوط به صورت ضبط ابیات بعضی شاعران است و ما در اینجا به صورت فهرست وار به آنها اشاره کرده ایم و ضبط درست آنها طبق نسخ نویافته ترکی چنین است:

"بهشت اول" (همان: ۱۹۸-۱۸۳):

- مولانا شرف: «نمیرد کسی کو به دانش مه است / ز مجرم کشی جرم بخشی به است».

مصراع اول در نسخ نویافته: «به نزد کسی کو به دانش مه است».

- میر اسلام: «شب پیر اجلال را بی ملک او نبود قیاس / بلکه اجلال از جلال او کند مجد التماس».

مصراع اول در نسخ نویافته: «شاهد اجلال را بی ملک او نبود لباس».

- امیر شاهی: «تو شهریار جهانی و ما به شهر تویم / وطن گذاشته بی خان و مان ز بهر تویم».

مصراع اول در نسخ نویافته: «تو شهریار جهانی و ما غریب شهر تویم».

"بهشت دوم" (همان: ۲۲۸-۱۹۹):

- خواجه فضل الله سمرقندی: «چون بهشت آمد به فتح از روی باغ / بلبش گر گم شود باید شکست».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «بلبلش گر گم شود باید شکست».

- خواجه ابواسحاق: «کشید از دست ما صحرای خاور دامن آن گل / به صحرای قیامت دست ما در دامن آن گل».

کل بیت در نسخ نویافته: «کشید از دست ما صحرای خاور دامن گل را / به صحرای قیامت دست ما و دامن صحرا».

- مولانا ایازی: «گرچه می جوید دلم دائم وصال یار را / بی جامه و بی موزه و بی کرته نمازی».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «نی جامه و نی کрте و نی موزه نمازی».
- خواجه محمد مجلد: «خری کج کرده پالان سون ده تاخت / چراگاه ده از گاوان
بپرداخت».

مصراع اول در نسخ نویافته: «خری کج کرده پایان سوی ده تاخت».
"بهشت سوم" (همان: ۲۶۳-۲۲۹):
- مولانا آصفی: «بریخت خم می و محتسب ز دیر گذشت / رسیده بود بلایی ولی به
خیر گذشت».

مصراع اول در نسخ نویافته: «نریخت درد می و محتسب ز دیر گذشت».
- مولانا سرّی: «بود در دعوی به ابرویت مه نو تیز و تند / دیدن خورشید رویت
ساخت او را گرد و غُند».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «دید چون خورشید رویت کرد خود را گرد و غند».
- مولانا بقایی: «تا به زلف تو سر بر آوردیم / سر به دیوانگی بر آوردیم».
کل بیت در نسخ نویافته: «تا به زلف تو سر در آوردم / سر به دیوانگی بر آوردم».
- مولانا جلال‌الدین: «به جانبی که دلم را رقیب می خواهد / بخواهد آمد و روی
حبیب می خواهد».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «نخواهد آمد و روی حبیب می خواهد».
- مولانا زیرک: «در راه عشق سنگ جفا توشه من است / در کوه و دشت لابه
جگر گوشه من است».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «در کوه و دشت لاله جگر گوشه من است».
- مولانا دوست: «بلاست از تو به دل هر زمان جفای دگر / جفا که بر دل من می کنی
بلای دگر».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «جفا که بر دگری می کنی بلای دگر».
- مولانا فتح‌الله: «چه سان گیرد دلم با زلفت الفت / چو دل بی حد نماند در دو زلفت».
مصراع دوم در نسخ نویافته: «چو دل بیخود نماید در دو زلفت».

- مولانا کو کبی: «بی‌رخش هر قطره خون بر سر مژگان مرا / مشعله‌ای باشد فروزان در شب هجران مرا».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «مشعلی باشد فروزان در شب هجران مرا».
"بهشت چهارم" (همان: ۲۸۱-۲۶۴):

- پهلوان محمد: «گفتمش در عالم عشق تو کارم با غم است / گفت زیر لب که غم کم نیست کار عالم است».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «گفت خندان زیر لب: غم نیست کار عالم است».
- مولانا حمیدالدین: «گهی ز خسته دلان یاد می‌توان کردن / بدین بهانه دلی شاد می‌توان کردن».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «دلی ز بهر خدا شاد می‌توان کردن».
- مولانا شیرعلی: «ما نکو گفتیم نامت گفته‌ای ما را میجو / سرو ناز ما روان پیوسته با ابرو بگو».

مصراع اول در نسخ نویافته: «ما نکو گفتیم نامت گفته‌ای ما را بجو».
- مولانا نامی: «لا فدا به خطت نامه زهی بی‌سروپایی / غماز سیه‌باطن مادر به خطایی».
مصراع اول در نسخ نویافته: «لا فدا به خطت نافه زهی بی‌سروپایی».
- مولانا عبدالواسع: «ای کشیده ترک چشمت در جهان پیوسته تیر / ماه نو گشت از کمان ابروانت گوشه گیر».

مصراع اول در نسخ نویافته: «ای کشیده ترک چشمت در کمان پیوسته تیر».
- «مولانا میرک حسین: تا کشم بر کسان او به قسیم / دل مجروح کرده‌اند دو نیم».
کل بیت در نسخ نویافته: «تا کنم بر سگان او تقسیم / دل مجروح کرده‌ام به دو نیم».
- «مولانا محمد نائینی: گشت میخانه ز حوران بهشتی معمور / چند حرفی بزن و چشم فکن جانب حور».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «چند چرخ بزن و چشم فکن جانب حور».
"بهشت پنجم" (همان: ۲۸۵-۲۸۲):

- «مولانا ناصرالدین: بتجاق ابرشی اگرم زیر زین بود/ ملک جهان مرا همه زیر نگین بود».

مصراع اول در نسخ نویافته: «تجاق ابرشی اگرم زیر زین بود».
"بهشت هفتم" (همان: ۳۱۶-۳۱۳):

- «میرزا عبداللطیف: بر دل و جان صد بلا از یک نظر آورد چشم/ چون نگویم شکر این یا رب نبیند درد چشم».

مصراع دوم در نسخ نویافته: «چون بگویم شکر این یا رب نبیند درد چشم».
۲-۲-۱-۳ اختلافات اسامی اشخاص و اماکن مندرج در ذیل بعضی مدخل‌ها در تصحیح حکمت که صورت صحیح آنها در نسخ نویافته ثبت است:
- «خواجه اوحد مستوفی: ... خواجه در شیراز می‌بوده و هم از آنجا رحلت به آخرت فرموده» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۲۰۱).

در تمامی سه نسخه نویافته به جای شیراز، سبزوار ثبت است.

- «مولانا عبدالوهاب: ... در کتابت عمارت فورغانی این آیه کریمه نوشته که...» (همان: ۲۰۱).

در تمامی سه نسخه نویافته به جای فورغانی، قورغانی یا فورقانی ثبت است.

- «مولانا نقیبی: ... قبر او در دو دو برادران است» (همان: ۲۲۴).

در تمامی سه نسخه نویافته به جای دو دو برادران، دره دو برادران یا ده دو برادران ثبت است.

- «محمدعلی: ... غریبی تخلص می‌نموده و انیس میر سید کابلی بوده» (همان: ۲۲۷).

در تمامی سه نسخه نویافته به جای میر سید کابلی، میر سعید کابلی ثبت است.

- «امیر دولت‌شاه بن فیروزشاه است پسر عمّ امیر علاءالدوله اسفراینی» (همان: ۲۸۲)

در تمامی سه نسخه نویافته به جای جمله بالا چنین ثبت است: امیر دولت‌شاه پسر عمّ

فیروزشاه و پسر امیر علاءالدوله اسفراینی.

۲-۲-۱-۴) انتسابات نادرست مربوط به اضافات به مترجم در تصحیح حکمت که متن کامل آنها در نسخ نویافته ثبت است:

- «مولانا شرف‌الدین علی یزدی: و مولانا در تفت وفات یافته و قبر او در خانقاه اوست» (امیر علیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۲۰۰).

متن ترکی جملات بالا در تمامی سه نسخه نویافته وجود دارد و چنین است: «و مولانا نینک قبری تفت دا همول خانقاه دا اوق دور».

- «مولانا شیخی: ... و این مطلع ازوست: این نه داغی است که بر سینه سوزان من است/ مهر عشقی است که از مهر تو بر جان من است» (همان: ۲۵۶).

متن ترکی جملات بالا در تمامی سه نسخه نویافته وجود دارد و چنین است: «بو مطلع اینک دور کیم: این نه داغی است که بر سینه سوزان من است/ مهر عشق است که از مهر تو بر جان من است».

- «درویش دهکی: و این بیت نیز ازوست و بسی نیکو است، بیت: به غیر ناقه لیلی که می کند خاری/ دگر که را غمی از رهگذر مجنون است» (همان: ۲۹۱).

متن ترکی جملات بالا در تمامی سه نسخه نویافته وجود دارد و چنین است: «بو بیتی داغی خوب واقع بولوبتور: به غیر ناقه لیلی که می کند خاری/ دگر که را غمی از رهگذر مجنون است».

- سه مدخل مولانا جمشید، مولانا شهاب، مولانا عبدالحق و مولانا آفتی در ترجمه قزوینی به شرح زیر در داخل گروه درج شده است:

«مولانا حمید: در این زمانه تازه پیدا گشته و بسی خوش طبع کسی است ... این معما به نام زین ازوست، مطلع: چه کنم نکهت گل را...»

مولانا شهاب: او نیز جوانی تازه است و فضایل او بی اندازه ... این معما به نام جابر ازوست: دردا که در او دیده...

مولانا عبدالحق: او نیز خوش طبع جوانی است، ولیکن پروای کسب کمال ندارد... این معما به اسم وصی ازوست: اشک من از حسرت آن ...» (همان: ۲۴۰-۲۳۹).

این در حالی است که متن ترکی هر سه مدخل بالا با اندکی تفاوت در تمامی سه نسخه‌ی نویافته وجود دارد و چنین است:

«مولانا جمشید: ایمدی پیدا بولغان خوش طبع یکیت لاردین... زین اسمیغه بو معما اینک دور کیم: چه کنم نکهت گل را...- دردا که در آب دیده

مولانا شهاب: ایمدی پیدا بولغان کیچیک یاشلیق یکیت دور... جابر اسمیغه بو معما اینک دور کیم: آنها که کنند دیده

مولانا عبدالحق: داغی کیچیک یاشیدا معما فنی غه شرع قیلدی... بو معما اینک دور کیم: اشک من در حسرت آن ...».



۳) نتیجه‌گیری

ترجمه قزوینی و تصحیح حکمت از آن، اختلافات چشمگیری با اصل متن ترکی *مجالس النفایس* دارد. قزوینی گاهی اوقات جزئی از نام و مشخصات شاعران را حذف کرده و گاهی ترجمه او فاقد بخشی از شرح احوال آنان است. بعضی از ابیات شاعران هم در ترجمه قزوینی حذف شده‌است، همان طور که عناوین تعدادی از شاعران همراه با شرح احوال آنان در متن ترجمه ثبت نشده‌است. قزوینی گاهی القابی را به مشخصات بعضی شاعران اضافه کرده‌است و گاه اطلاعاتی تازه به شرح احوال آنان افزوده‌است. ابیاتی نیز در ترجمه قزوینی وجود دارد که جزء اضافات مترجم است، همانگونه که بعضاً شاعرانی هم معرفی و شرح احوال آنان به متن ترجمه اضافه شده‌است. ویژگی برجسته ترجمه قزوینی در اختلافات مطالب او با متن ترکی است. او در شرح احوال و ابیات شاعران گاه چندان آزادانه دست به ترجمه زده‌است که مطالب او با متن مبدأ اختلافات بسیاری دارد.

تصحیح حکمت نیز به واسطه استفاده مصحح از نسخ مغلوط و متأخر، اختلافات بسیاری با اصل متن ترکی دارد. گاهی اوقات نام و مشخصات بعضی شاعران اشتبهاً به شکل دیگری تصحیح و ثبت شده‌است، همان طور که صورت بعضی ابیات هم نادرست تصحیح شده و باعث اختلال در نظام معنایی و وزنی شعر شده‌است. نکته تأمل برانگیز دیگر در تصحیح حکمت، فقدان مرزبندی میان ترجمه اصل متن ترکی و اضافات مترجم است. بسیاری از مطالبی که مترجم به ترجمه خود اضافه کرده، مشخص نشده و در داخل گروه نیامده‌است؛ در عوض، آنچه اضافات مترجم پنداشته شده و در داخل گروه آمده، در متن ترکی *مجالس النفایس* مذکور است و اشتبهاً مرزبندی شده‌است.

منابع و مأخذ

۱. امیر علیشیر نوایی، علیشیر بن کیچکنه. (۱۳۶۳). مجالس النفایس. (تصحیح علی اصغر حکمت). تهران: کتاب فروشی منوچهری.
۲. امیر علیشیر نوایی، علیشیر بن کیچکنه. (ف ۹۰۶ ق. الف). مجالس النفایس. وین: کتابخانه سلطنتی. نمره مسلسل N. F. 243. [نسخه خطی] تألیف ۸۹۶ ق. تاریخ کتابت ۹۰۳ ق.
۳. امیر علیشیر نوایی، علیشیر بن کیچکنه. (ف ۹۰۶ ق. ب). مجالس النفایس. پاریس: کتابخانه ملی. نمره مسلسل Supplement Turc 317. [نسخه خطی] تألیف ۸۹۶ ق. تاریخ کتابت ۹۳۳ ق.
۴. امیر علیشیر نوایی، علیشیر بن کیچکنه. (ف ۹۰۶ ق. ج). مجالس النفایس. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی. نمره مسلسل ۴۶۴۴. [نسخه خطی] تألیف ۸۹۶ ق. تاریخ کتابت ۹۳۴ ق.
۵. گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۳). تاریخ تذکره‌های فارسی (جلد ۲). تهران: دانشگاه تهران.